

# دیزاین و دموکراسی

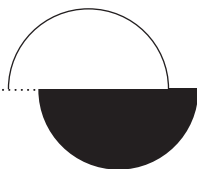
اندیشه‌های کنشگرانه و مثال‌های عملی برای آزادی عمل اجتماعی-سیاسی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

***Design and Democracy***

Michael Erhoff and Maziar Rezaei (Eds.)

Board of International Research in Design, BIRD, 2021



# دیزاین و دموکراسی

اندیشه‌های کنشگرانه و مثال‌های عملی برای آزادی عمل اجتماعی-سیاسی

گردآوری میثائیل ارلهوف و مازیار رضایی

ترجمه مریم پوراسماعیل

دیزاین و دموکراسی

اندیشه‌های کنشگرانه و مثال‌های عملی برای آزادی عمل اجتماعی-سیاسی

ترجمه مریم پوراسماعیل

ویرایش محمد افتخاری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی واژه‌پرداز اندیشه

چاپ اول ۱۴۰۲

نشرمشکی . تهران

www.meshkipublication.com

info@meshkipublication.com

@meshkipublication

@meshki\_pub

همه حقوق برای ناشر محفوظ است. تکثیر یا تولید همه یا بخشی از کتاب به هرصورت (انتشار الکترونیکی، چاپ، فتوکپی، تصویر، صوت) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.



دیزاین مشکی / ۲۶

عنوان و نام پدیدآور: *دیزاین و دموکراسی* / ویرایش [Michael Erlhoff, Maziar Rezaei]؛ ترجمه مریم پوراسماعیل؛ ویرایش محمد افتخاری.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشکی، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۲۹۲ ص.

شابک: ۳-۸۶-۶۶۶۹-۶۶۶۹-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: *Design and democracy: activist thoughts and practical examples for sociopolitical empowerment*, 2021.

یادداشت: عنوان دیگر: اندیشه‌های کنشگرانه و مثال‌های عملی برای آزادی عمل اجتماعی-سیاسی.

یادداشت: واژه‌نامه.

عنوان دیگر: اندیشه‌های کنشگرانه و مثال‌های عملی برای آزادی عمل اجتماعی-سیاسی.

موضوع: طراحی-جنبه‌های سیاسی

Design—Political aspects

هنر و اجتماع

Art and society

شناسه افزوده: ارلهوف، میثائیل، ویراستار

Erlhoff, Michael

شناسه افزوده: ، ویراستار Rezaei, Maziar, ۱۳۶۵

شناسه افزوده: پوراسماعیل، مریم، ۱۳۶۴-، مترجم

رده‌بندی کنگره: NK1۵۰۵

رده‌بندی دیویی: ۷۵۴/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۵۳۴۹۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

## فهرست

- مقدمه — میثائیل اِرلهوف و مازیار رضایی — ۹
- حکومت (مندی) دیزاین — رامیا مازه — ۱۳
- دیزاین برای سیاست: در جست‌وجوی گام بعدی — ۳۹  
لورا پِنْدِل، جولی یِن دوفِت، استفان وِنسان —
- دموکراسی به واسطه دیزاین — آگوستین پِریِرا دِکارا — ۵۳
- دموکراسی به واسطه ساختن — لائورا پاپلو — ۶۹
- دیزاین دموکراسی یا گِل لگد کردن؟ — وولفگانگ یوناس — ۹۳
- دیزاین و سیاست‌های روزمره — تام بی‌لینگ — ۱۱۷
- دیزوکراسی: تضادها و امکان‌ها در چارچوب دموکراسی و دیزاین و بین آن‌ها — ۱۳۵  
میثائیل اِرلهوف —

---

## مقدمه \_\_\_\_\_ زیر همین آسفالت [1]

---

میشائیل اِرلهوف و مازیار رضایی

موضوعی به شدت پیچیده و در نتیجه بسیار الهام بخش و هیجان انگیز: دموکراسی و دیزاین. همین طور هم هست زیرا هم دموکراسی و هم دیزاین همیشه با تضادها دست به گریبان بوده اند. دموکراسی و دیزاین نویدبخش توسعه اجتماعی مسالمت آمیز و، هم زمان، ابتکارها و چشم اندازهای تازه اند. با این حال، این وعده وعیدها طبق معمول به خط مشی های پیش پا افتاده ای در خدمت بازار و سلطه تبدیل می شوند. این واقعیت، از سوی دیگر، دموکراسی و دیزاین را به مفاهیمی واقعاً جذاب برای تجزیه و تحلیل نظری تبدیل می کند چون موضوع اینجاست که باید «بینابین» دموکراسی و دیزاین، پیوندهای درونی و قابلیت آن ها را به خوبی درک کنیم و اگر ممکن شد از آن بهره ببریم.

واقع گرا باش و ناممکن را طلب کن!

چه گوارا

دموکراسی که رؤیای شهروندانِ جسور و گزینه آن ها برای تصمیم گیری مشترک درباره همه چیز است آشکارا بر آزادی بخشی بی وقفه و در نتیجه بر ضرورت اعمال فعالانه آن استوار است. این کار به دلایل بسیار، بی پرو برگرد و به شدت، دشوار

کنش چگونه است؟ \_\_\_\_\_ ساسکیا هیبرت و آندرتاس آنتایدیک \_\_\_\_\_ ۱۵۵

دفتر دیزاین برای دموکراسی \_\_\_\_\_ فریدریش فون بوریس \_\_\_\_\_ ۱۷۳

رویدادهای مجادله ای برای فراموش نکردن \_\_\_\_\_ ۱۸۳  
کارل دی سالوو و اِمندا مینگ \_\_\_\_\_

کنشگری دیزاین، دموکراسی و بحران شبکه های اجتماعی \_\_\_\_\_ ۲۰۱  
مازیار رضایی \_\_\_\_\_

دموکراسی در دست ساخت، ساخت و ساز به مثابه رژیم \_\_\_\_\_ ۲۲۷  
ارای چایلی \_\_\_\_\_

یادداشت ها \_\_\_\_\_ ۲۵۱

نویسندگان \_\_\_\_\_ ۲۶۵

اصطلاحات فارسی-انگلیسی \_\_\_\_\_ ۲۷۱

اصطلاحات انگلیسی-فارسی \_\_\_\_\_ ۲۷۵

نام نامه \_\_\_\_\_ ۲۷۹

است: از یک سو، رژیم‌های استبدادی همواره به دنبال قاپیدن قدرت و سرکوب صدای شهروندان‌شان هستند و از سوی دیگر، حکومت‌ها در فاصله‌های منظم انتخاب می‌شوند اما در میان دو انتخابات بیشتر وقت‌ها خودمختاری ظالمانه‌ای به وجود می‌آورند و ساختارهای دیوان‌سالاری بی‌رحمانه‌ای خلق می‌کنند که اگرچه به هیچ‌وجه منتخب شهروندان نبوده اما عملاً بسیار قدرتمند و تعیین‌کننده زندگی روزمره مردم است؛ حتی از نیروی پلیس و ارتش هم برای این کار بهره می‌برند. دموکراسی در یک مورد سرنوشت‌ساز دیگر هم شکست خورده است: وقتی پای پذیرش اقلیت‌ها در میان است. اقلیت‌ها گاهی فریادی می‌زنند اما هیچ‌وقت موفق نخواهند بود چون دموکراسی، دست‌کم دموکراسی‌ای که ما می‌شناسیم، را همیشه اکثریت تعیین می‌کند؛ بماند که این اکثریت در واقع از اقلیت‌های گوناگون شکل می‌گیرد با برداشت‌های جداگانه‌شان از زندگی بانشاط.

اگر قرار باشد دموکراسی به بازار پا بگذارد محرک آن قطعاً، به‌ویژه هنگام انتخابات، بازاریابی و ترفندهای تبلیغاتی بازار است. بارها این پرسش مطرح شده است: پس تفاوت میان دموکراسی با یک سوپرمارکت دقیقاً چیست؟ تنها تفاوت شاید این باشد که در یک سوپرمارکت حتی اقلیت‌ها هم می‌توانند دست‌کم خیال کنند که صدای‌شان شنیده خواهد شد. تصادفی نیست که در انگلستان وقتی از کالا صحبت می‌کنیم این موارد را «goods» می‌نامیم، یک چیز «خوب» [goods]، هم به معنی کالاها و هم به معنی خوبی‌ها]. این یعنی که اخلاق در بازار، دخیل است. پیشگامی شهروندان و اعتراض‌های مردمی که مشکلات عینی نظام‌ها و رژیم‌ها را هدف حمله قرار می‌دهند کورسوی امید‌اند بیانگر اینکه شاید فرصتی برای چشیدن طعم دموکراسی راستین و امکانات اجتماعی‌ای که متضمن آن است وجود

داشته باشد. اما ناچاریم بپذیریم که متأسفانه فعالیت‌های واپسگرایانه و سلطه‌جویانه هم، مثل اعتراض‌ها، به وجود آمده و هم‌چنان به وجود می‌آید، هم در گذشته و هم در حال حاضر. با این حال، بی‌درنگ می‌توان ماهیت حقیقی این‌گونه اقدامات را دریافت: غیردموکراتیک. همان‌طور که فرم خود دموکراسی تردیدآمیز است فرم اقدامات ضد آن و اقدامات حمایت از آن نیز چنین است: واقعیتی که دوباره، هم تجربه است و هم، بنا به ضرورت، موضوعی برای تجزیه و تحلیل.

و، وقتی پرسش از فرم مطرح می‌شود ناگزیر درباره دیزاین حرف می‌زنیم؛ چون دیزاین همه‌چیز را شکل می‌دهد، معیارهای بهنجاری را تعیین می‌کند و فرایندهای تعامل و زندگی اجتماعی را، نهانی یا آشکارا، می‌آفریند. این واقعیت را بی‌درنگ باید بررسی کرد: همان چیزی که در این کتاب به راه‌های گوناگون به آن خواهیم پرداخت. شکی نیست که دیزاین عامل اصلی سرمایه‌داری و ابزار اساسی صنعتی‌سازی است. بنابراین، دیزاین خط‌مشی‌های بازار را هم، که قدرت‌های حاکم می‌خواهند آن‌ها را درون دموکراسی جا بدهند، در همکاری با عوامل دیگر خلق می‌کند. پس دور از انتظار نیست که دیزاین را فرصت‌طلب و محافظه‌کار تلقی کنیم.

از طرف دیگر باید بپذیریم هر گونه اعتراض، مثلاً اعتراض‌های ضد بازار و ضد افسردگی اجتماعی ناشی از صنعتی‌سازی، ارتباطی اساسی با دیزاین دارد یا، در واقع، به دست دیزاین شکل می‌گیرد. این موضوع در مورد فرم‌های گفتمان‌هایی که راه به اعتراض‌ها می‌برند و طبیعتاً در مورد طرز بیان عمومی‌شان هم صدق می‌کند. به بیان دیگر: در مورد پوسترها یا پارچه‌نوشته‌ها یا جزوه‌ها، و در مورد سازماندهی اعتراض‌ها، حتی تن‌پوش‌ها، یا در مجموع، در مورد صورت ظاهری اعتراض‌ها، از جمله صداها و گونه‌های خاصی از کارزارها.

در واقع آن‌هایی که در خدمت حکومت‌ها هستند و دل‌شان می‌خواهد جلوی اعتراض‌ها را بگیرند یا به این کار گماشته شده‌اند هم تحت تأثیر دیزاین‌اند: کافی است به لباس‌های متحدالشکل و اسلحه‌ها و وسایل نقلیه و ماشین‌های آب‌پاش و بلندگوها و صف‌آرایی‌ها و چیزهایی از این دست فکر کنید. همه این‌ها هم دیزاین‌شده‌اند، محصول دیزاین‌اند، حتی آرایش‌های نظامی و اطوارهای مربوط به آن. این نشان می‌دهد که دیزاین بی‌برو برگرد کنشی سیاسی است: خواه کنشی ایجابی یا انتقادی یا دست‌کم خرابکارانه باشد. این موضوع را سبک خاص دیزاین مشخص می‌کند: قدرت‌های حاکم، حامیان‌شان یا توجیه‌گران‌شان که معمولاً با لباس‌های هم‌شکل یا با وضع مشابه در انظار ظاهر می‌شوند همیشه وضع مالی بهتری دارند، مجهزترند و فناوری‌های پیشرفته‌تری دارند؛ آن‌ها سلطه و ظلم را به نمایش می‌گذارند. دیزاینرها همیشه در این فرایند دست دارند. یک اعتراض اجتماعی پرشور اغلب از دیزاین برای جبران فقدان منابع مالی‌اش استفاده می‌کند و معمولاً مهم‌ترین ویژگی این کارش خلاقانه بودن آن است. این گونه اعتراض پذیرای انواع امکان‌هاست؛ در فضاها و اجتماعات حرکت می‌کند و صمیمیت ایجاد می‌کند؛ انتقادی است؛ قدرتمندی ویژه‌ای دارد و با گزینه‌های پیش‌رو وارد مذاکره می‌شود. مقالات این کتاب می‌کوشند این بسترها و تضادها، این دیدگاه‌های طغیانگرانه در دموکراسی و دیزاین را به بحث بگذارند و شرح بدهند. آن‌ها در این کار آزادانه عمل می‌کنند؛ مثال‌ها و گزارش‌هایی در اختیار می‌گذارند؛ ناامید نیستند، در عوض، دموکراسی و دیزاین را دعوت می‌کنند که چترهای‌شان<sup>[۱۲]</sup> را باز، شال‌های‌شان را پرچم و ساحل را زیر آسفالت خیابان پیدا کنند.

---

## حکومت(مندی)<sup>[۱]</sup> دیزاین:

\_\_\_\_\_ دخالت‌های دیزاین و/ در حکومت در کیپ تاون [آفریقای جنوبی]

\_\_\_\_\_ رامیا مازه

---

## درآمد

دیزاین با مناسبات قدرت و هژمونی‌ها، رژیم‌های سیاسی و ایدئولوژی‌ها سروکار دارد. در رشته معماری و تاریخ خدمت این رشته به دولت‌ها و امپراتوری‌ها، دموکراسی‌ها و دیکتاتورهای، ابعاد سیاسی دیزاین آشکارتر از بقیه رشته‌هاست. نظریه‌پردازی‌های گسترده‌ای درباره فرم سیاسی «پانوپتیکان» در معماری شده است. پانوپتیکان ساختمانی است که دو قرن پیش، جرمی بنتام تجسمش کرد. برای مثال، یک زندان پانوپتیکانی سلول‌ها را دورتادور یک برج مرکزی نگاهبانی توزیع می‌کند، به گونه‌ای که زندانی‌ها، هم جدایی فیزیکی از یکدیگر داشته باشند و هم در معرض یک سازوکار مرکزی نظارتی قرار بگیرند. میشل فوکوی فیلسوف (۱۹۹۵) پانوپتیکان را به تفصیل، نه در حکم یک ساختمان، که در حکم یک سازوکار قدرت توصیف می‌کند. پانوپتیکان برای او آشکارا بیانگر تغییر موضع از یک پارادایم حکومتی به پارادایم حکومتی دیگر است: از حکومت رانی یک پادشاه به زیردستان سراسر قلمروش از طریق قوای قهریه فیزیکی، تا صورت‌های امروزین کنترل بر سرتاسر

مناسبات اجتماعی از راه انواع سازوکارها. بنابراین، حکومت‌های امروزی در یک فرایند هرروزه متداوم، از راه «حکومت‌مندی» شکل می‌پذیرند (فوکو ۱۹۹۱ [۱۹۷۸]): حکومت‌مندی‌ای که هم در بردارنده فرم‌های عینی معماری و شهرسازی توأم با نظارت کالبدی بر توده‌ها و مهار آن‌هاست، و هم سازوکارهای کمتر ملموس دارد، مثل پایش [اجتماعی] که اندیشه‌ها و رفتارهای مردم را هدایت می‌کند.

تحلیل‌های سیاسی از راه مفاهیمی مثل «حکومت‌مندی» وارد مقوله دیزاین هم شده است. لنگدن و وینر (۱۹۸۰) به نقشه شهری رابرت موزیس برای نیویورک اشاره می‌کند که، از میان باقی انتخاب‌ها با محتوای مشابه، در بردارنده محدودیت ارتفاع برای پل‌های روگذر در بزرگراه‌هاست تا تردد اتوبوس‌های همگانی و در نتیجه دسترسی به سواحل و گردشگاه‌های عمومی را برای برخی گروه‌های اجتماعی ممنوع کند. وینر با شرح و بسط برداشت خود از «مهندسی عوامل انسانی در سیاست» (۱۹۹۵) استدلال می‌کند که انتخاب‌های گوناگون در دیزاین منجر به «قراردادهای گوناگون اجتماعی» میان یک شهروند با جامعه مدنی و دولت می‌شود. دوری تانستل (۲۰۰۷) در رابطه با موضوع «حکومت‌رانی محسوس» به تفصیل شرح می‌دهد که چگونه استانداردهای ملی دیزاین برای برگه‌های رأی‌گیری و [چگونگی ثبت] اطلاعات رأی‌دهنده، بر رأی دادن یا رأی ندادن اشخاص یا گروه‌ها، یا چگونگی رأی دادن آن‌ها تأثیر مستقیم می‌گذارد. محمود کشاورز (۲۰۱۶) گذرنامه‌ها و کمپ‌ها و مرزها را چیزهای دیزاین‌شده‌ای می‌داند که دولت‌ها از آن‌ها به عنوان ابزارهایی برای اعمال سیاست‌های مهاجرتی استفاده می‌کنند. به همین ترتیب، چگونگی استفاده از این‌ها را هم صورت‌های مقاومت مهاجران علیه خشونت دولتی می‌بیند. طرز تفکر فوکویی در دیزاین بر ملاکننده و نمایانگر

چگونگی تأثیرگذاری و نظارت بر مردم از طریق فرم‌های دیزاین‌شده حکومت‌مندی در زندگی روزمره است.

این روزها دیزاین در مقام یک حرفه خدماتی حکومتی به سرعت گسترش می‌یابد. در برنامه عملیاتی کمیسیون اروپا (EC ۲۰۱۳) برای نوآوری دیزاین انگیزه، آشکارا اعلام شده است که باید «از دیزاین برای نوسازی بخش عمومی» و «مدرن کردن مدیریت بخش عمومی» استفاده کرد. این برنامه که «دیزاین برای اروپا»<sup>[۱۲]</sup> آن را اجرا کرده است مثال‌هایی را برجسته می‌کند از به خدمت گرفته شدن دیزاینرها و باقی واحدهای دیزاین در حکومت، در سطح ملی و شهری، و برگزاری دوره‌های آموزش عالی برای زمامداران با عنوان «دیزاین در خدمت حکومت»، چیزی که من با همکاری وزارتخانه‌های فنلاند مسئولیتش را در حال حاضر به عهده دارم. در سیاق [کاری] من دیزاین از اجزای بنیادی برنامه استراتژیکی حکومت فنلاند در سال ۲۰۱۶ بوده و در خط‌مشی سیاسی شهر هلسینکی لحاظ شده است. دیزاین در روند (نو)لیبرالیزه کردن اقتصاد سیاسی، در بازتوزیع خدمات دولتی و در منطق بازسازی حکومت و نوآوری در آن رونق گرفته و گسترش یافته است (ژولیه ۲۰۱۶). این موضوع در فنلاند نه فقط آشکار که مبرهن است، چون دیزاین به عنوان مبنایی منطقی همیشه در سازمان ملل متحد و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)<sup>[۱۳]</sup> و سازمان‌های جهانی دیزاین تداوم داشته است. (الیادیس، هیل و هاوولیت ۲۰۰۷ ب) گسترش دیزاین در حکومت چنان شتابان است که نظریه‌های سیاسی از تحلیل فرم‌های دیزاین و دلالت‌های معنایی آن‌ها عقب می‌مانند. فرم‌هایی که در حال حاضر در حکومت‌ها گسترش می‌یابند - برای نمونه، دیزاین‌اندیشی، دیزاین مشارکتی و دیزاین خدماتی - دیگر آن‌هایی نیستند که در روش فوکویی بررسی

شده‌اند. وقتی کریستین بسون (۲۰۱۶) - مدیر ارشد اجرایی کنونی مرکز دانمارکی دیزاین، و رئیس پیشین برنامه چنددولتی مایندلَب - به «سیاست‌گذاری به مثابه دیزاین کردن» اشاره می‌کند یعنی طرفدار دیزاین فرایندها و استراتژی‌هاست نه دیزاین فرم‌هایی که جسم انسان‌ها را دربرمی‌گیرند و کنترل‌شان می‌کنند.

گسترش دیزاین در حکومت ممکن است بر بخشی از یک تغییر سیاسی-اقتصادی بزرگ‌تر دلالت کند. فوکو استدلال کرده که فرم‌های پیشینِ اعمالِ قدرتِ دولتی «سخت»، از طریق ابزارهای نظامی و کالبدی، به تدریج تبدیل به حکمرانی مدرن و لیبرال شده است که فرم‌هایی نامحسوس‌تر و لمس‌نشده‌تر دارد. شاهد آن، معنای دوگانه پانوپتیکان است. زندان پانوپتیکانی از طریق جداسازی و بازداری کالبدی اعمال کنترل می‌کند اما شدیدتر از این، قدرت «نرم» و ذهنی گونه‌ای از نظارت است که اثری نادیدنی دارد و بر خویشتن انسان‌ها و بر مقررات اجتماعی، ذره‌ذره القای نظارت می‌کند. من و کشاورز (۲۰۱۳) توضیح دادیم که همتای این موضوع در دیزاین، مدیریت و جهت‌دهی تجربه‌ها و ذهنیت‌های مردم در مشارکت [اجتماعی] وفاق‌انگیخته و در فرایندهای دیزاین مشارکتی است.

با پیدایش فرم‌های مدرن حکومت‌رانی، دیزاین در سیاست گسترش می‌یابد در حالی که تحلیل‌های سیاسی درون حکومت یا ضد حکومت از آن عقب می‌مانند. دانشوران حوزه مدیریت عمومی، مثل پرل الیادیس، مارگارت هیل و مایکل هاوولیت، در کتاب‌شان حکومت دیزاین (۲۰۰۷) به بررسی دامنه روبروگسترش ابزارهای سیاسی‌ای می‌پردازند که در حکومت‌رانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آن‌ها تغییر خودبه‌خودی «حکومت» را به فرایندهای «حکومت‌رانی»، یعنی تغییر نهادهای متمرکز سلسله‌مراتبی اعمال قدرت و سیاست از بالا به پایین را به نظام‌های

شبکه‌ای‌تر و سازوکارهای «برهم‌کنشی» به تفصیل توضیح می‌دهند. استدلال من این است که این دگرگونی، فرم‌ها و نهادهای حکومتی را هم شامل می‌شود؛ چیزی که باید مورد بررسی قرار گیرد.

توجه من در این پژوهش به چگونگی سازوکار دیزاین در حکومت‌رانی و حکومت‌مندی است تا به وسیله آن، هدایت اخلاق و رفتار مردم و نظارت بر آن را مورد نظر قرار دهم. مثلاً بررسی می‌کنم که دیزاین چگونه درک تازه‌ای از مواجهه شخص و دولت، و امکاناتی برای دستکاری آن فراهم می‌کند. در این مقاله و به منظور بررسی هدف عملی آن، به بعضی مثال‌هایی پرداخته‌ام که سازمان جهانی دیزاین آن‌ها را مورد توجه قرار داده است.

### پایتخت جهانی دیزاین و دیزاین درون حکومتی

فرم‌ها و مقررات روبروگسترش دیزاین در حکومت، در ظواهر و باطن مقوله پایتخت جهانی دیزاین (World Design Capital-WDC) آشکار است. این عنوانی است که هر سال طی یک فرایند مناقصه در سازمان جهانی دیزاین (نشان تجاری)<sup>[۴]</sup> به یکی از شهرهای جهان اعطا می‌شود. سازمان جهانی دیزاین و پدیده پایتخت جهانی دیزاین، تجسم دیزاین به عنوان ابزار سیاست داخلی است. فرض پایه سازمان جهانی دیزاین در کنفرانس جهانی‌ای که در آیین گشایش پایتخت جهانی دیزاین در تورین ایتالیا در سال ۲۰۰۸ برگزار کرد، این بود: «دیزاین در حکم مؤلفه‌ای بنیادین در استراتژی‌های ملی است تا برانگیزاننده توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی برای رشد فرهنگی باشد» (WDO ۲۰۱۹). پشت هر شهری که با عنوان پایتخت جهانی دیزاین انتخاب می‌شود، لابی قدرتمندی برای فرایند رقابتی مناقصه و اجرای دیزاین شکل



گرفته است. مثلاً برای اینکه هلسنیکی پایتخت جهانی دیزاین در سال ۲۰۱۲ شود، حکومت شهری و ملی، صافی از عوامل تجاری و فرهنگی و حمایت گسترده عمومی پشتیبان این شهر بود، یعنی «یکی از گسترده‌ترین پروژه‌های همگانی که تا به حال در فنلاند اجرا شده است» (ICSID) که حالا اسمش سازمان جهانی دیزاین است، نقل شده در بری لوند (۲۰۱۳)<sup>[۵]</sup>. بنابراین، هر پایتخت جهانی دیزاین را می‌توان نمونه‌ای عینی دید از چگونگی بازتنظیم دیزاین به دست حکومت‌ها، و آلت دست ساختن از آن، تا بخشی از سیاست باشد.

علاوه بر آنچه گفته شد، یک پایتخت جهانی دیزاین میزان توان استفاده حکومت از دیزاین را هم برجسته می‌کند. هر پایتخت جهانی دیزاین تصویری خاص از دیزاین و روش‌هایی ویژه در آن را، از طریق اطلاع‌رسانی و سلسله‌ای از رویدادهای برنامه‌ریزی شده، انتخاب و ترویج می‌کند. مثلاً هلسنیکی پایتخت جهانی دیزاین، دیزاین پایدار و کنشگری دیزاین را درون تصویری از مشارکت شهروندان مورد نظر دارد. این در کنار ترویج جریان اصلی که همان نوآوری در دیزاین و صنعت خلاق است، تصویری پیچیده به وجود می‌آورد «زیرا کنشگری [دیزاین] به حاشیه رانده شده تدریجاً به سیاست دیزاین و فرصت‌های تجاری گرایش پیدا می‌کند» (بری لوند ۲۰۱۳: ۲۰۹). استدلال اوا بری لوند این است که هلسنیکی پایتخت جهانی دیزاین تداوم بخش یک استراتژی تاریخی فنلاندی در حکومت‌مندی است که از طریق جریان‌سازی فن‌سالارانه و ایجاد وفاق عمومی عمل می‌کند: «در واقع، آنچه [هلسنیکی] ترویج می‌کند کمتر دیزاین چیزها یا حتی خدمات است و بیشتر دیزاین اقسام شهروندان راستین است» (بری لوند ۲۰۱۳: ۲۰۷-۲۰۸). به این ترتیب، او ضمن ترسیم هم‌تابی برای «حکومت‌مندی» فوکویی، جزء به جزء بیان می‌کند که

چگونه چنین تصویرپردازی‌هایی [از شهروندان] تبدیل به روشی شده است برای شکل دادن به توده‌ها و هدایت کردن‌شان در مسیرهای مشخص.

انتخاب کیپ تاون آفریقای جنوبی به عنوان پایتخت بعدی دیزاین در سال ۲۰۱۴ یک کانون توجه واقعاً مهم است. اول به این دلیل که سال ۲۰۱۴ هم‌زمان با بیستمین سالگرد پایان رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی بود. دوم اینکه این اولین و هنوز یگانه پایتخت جهانی در نیمکره جنوبی، اسباب تشدید «سندروم پایتخت جهانی شدن» در کیپ تاون شد (مک‌دانلد ۲۰۱۲). دیوید مک‌دانلد شرح می‌دهد که این سندروم حاکی از وسواس مزمن حکومتی‌ها و باقی‌ذی‌نفوذهای کیپ تاون است تا این شهر در آن قالب هنجاری که یو.ان-هیبیتات<sup>[۶]</sup> وضعش کرده است جا بگیرد و «شهر جهانی» شود (۲۰۰۱). او مفصل توضیح می‌دهد که چگونه نئولیبرالیسم قسمتی از فرایند شکل‌گیری و بخشی از نتیجه این شهر جهانی است: مثلاً با یکدست‌سازی و کالایی کردن زیست‌جهان<sup>[۷]</sup>، با «آفریقای ز(د)ایی» و با استراتژی‌هایی در جهت مهار اختلاف نظرها و به حاشیه راندن مخالف‌ها. بنا بر آنچه گفته شد، و مطابق با اهداف این مقاله، کیپ تاون پایتخت جهانی دیزاین در سال ۲۰۱۴ بعضی نارسایی‌های سیاست (دوران پساآپارتاید) را برجسته می‌کند، آن‌هم آن‌گونه که این کاستی‌ها در/با دیزاین خود را نشان می‌دهند.

تصویر دیزاین کیپ تاون، تا اندازه زیادی، تداوم تصویر باقی پایتخت‌های جهانی دیزاین بود. از میان صدها مثال ممکن، بسیاری‌شان همان فرم‌های فضایی و مادی عکس‌های فوری فاینشال تایمز بود (بخصوص تصویرهایی با مضمون «فضاهای زیبا، چیزهای زیبا»، مثلاً، وندر پُست، ۲۰۱۴). به کارگیری صورت‌های کمتر ملموس و، در عین حال، آشنای دیزاین درون حکومتی در این شهر شامل دو پروژه جداگانه

بود: مجموعه‌ای از «کارگاه‌های پیشرو» مطرح، و پروژه VPUU.

کارگاه‌های پیشرو آشکارا ابزارهای حکومت بودند و به وجود آمده بودند تا هدف شهردار کیپ تاون را برای ارتباط با همه شهروندان هر صدویازده منطقه شهری محقق کنند. در یک ویدیوی شسته‌رفته (سازمان جهانی دیزاین ۲۰۱۹) ثبت شده است که دیزاین‌های این پروژه نقش‌هایی چندگانه داشتند، مثلاً در شناسایی و گزینش شرکا، تنظیم برنامه کار، سازمان دادن به اعضای شوراهای هر منطقه شهر و در تسهیل روند کارگاه‌ها برای تولید یک پروپوزال که بعدها بتوان تصویری‌اش کرد و به شورای شهر ارائه داد تا اسباب تخصیص کمک‌هزینه باشد. به این ترتیب نقش‌های دیزاین از تسهیل‌گری صرف بسیار فراتر رفت و مقوله آموزش (مثلاً تدوین چهار تعریف احتمالی از «دیزاین‌اندیشی») برای شرکت‌کننده‌ها تا یکی را از میان‌شان انتخاب کنند)، اولویت‌بندی (آموزش به شرکت‌کننده‌ها تا «ایده‌های خودشان را ارزیابی انتقادی» کنند) و تصمیم‌گیری (یک سازوکار انتخاباتی تا پروپوزال‌ها را به‌مرور گزینش و محدود کند) را نیز دربرگرفت. پس، سیاست اجماع عمومی که در دیزاین مشارکتی معمول است (کشاوری و ماز ۲۰۱۳) اینجا هم خودش را نشان می‌دهد: استفاده از دیزاین برای تدوین و گزینش و هدایت منافع و نظرهای متعارض و حتی متضاد به سوی پایانی ازپیش‌تعیین‌شده.

پروژه VPUU عینی‌تر است. این پروژه اولین تنها سه پروژه (از میان صدها پروژه سرانجام منظور شده) تدارک‌دیده‌شده برای مناقصه کیپ تاون سازمان جهانی دیزاین بود (شرکت کیپ تاون ۲۰۱۱). عکس‌های پروژه VPUU، نقش‌شده روی پلاکاردها و نشان‌های تجاری پایتخت جهانی دیزاین که رنگ زرد خیلی توی چشمی دارد، به پیشواز هر کسی، از جمله خود من، می‌رفت که بین سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ از

دروازه ورودی فرودگاه بین‌المللی کیپ تاون رد می‌شد. اما اهمیت و ابعاد سیاسی پروژه VPUU عمیق‌تر از این نمایش‌های گسترده، درعین حال، سطحی است.

#### \_\_\_\_\_ مطالعه موردی پروژه VPUU (جلوگیری از خشونت با به‌سازی شهری) \_\_\_\_\_

پروژه VPUU، مخفف «جلوگیری از خشونت با به‌سازی شهری»<sup>[A]</sup>، که هم‌زمان نام یک شرکت غیرانتفاعی هم هست، پروژه‌ای در کاپلینشوا و چند منطقه دیگر، و یک برنامه توسعه مشارکت متقابل میان آفریقای جنوبی و آلمان است که بانک توسعه آلمان (کردیتانشتالت فور ویدرفابو یا KfW) آن را در سال ۲۰۰۱ بنیان گذاشت. این بانک مبلغ ده‌ونیم میلیارد یورو (گریم و دیگران ۲۰۱۱) تأمین کرد، این پول را با کمک‌هزینه‌های در نظر گرفته دولت آفریقای جنوبی یک‌کاسه کرد تا به این ترتیب با همراهی [شهرداری] کیپ تاون - به عنوان نماینده اجرایی برنامه - منطقه کاپلینشوا این شهر به عنوان محل اجرای پروژه در سال ۲۰۰۵ شود. الگوی سه‌محوری استقرار VPUU الگویی کلی بر اساس برنامه یو.ان-هیتات است که بانک توسعه آلمان آن را در دو کشور آمریکای جنوبی هم اجرا کرده است (باوئر ۲۰۱۰). الگوی VPUU از آن به بعد در پنج شهر استان وسترن کیپ بهره‌برداری شد (کسیدی ۲۰۱۵). این ساختار نشان‌دهنده ابعاد اقتصادی-سیاسی چندلایه پروژه VPUU است؛ ابعادی که پشتیبان منطق سازمانی و اجرایی و سیاسی آن است.

مورد این پروژه لایه‌های چندگانه دیزاین را در زمینه حکومت‌رانی امروز بر ملا می‌کند: در سطح نخست، یعنی همان چیزی که در بخش مربوط به پایتخت جهانی هم به آن پرداختیم، می‌توانیم این پروژه را به منزله بخشی از «سیاست دیزاین» بنگریم یعنی به منزله دعوی یا حکمی درباره حکومت و سیاست آفریقای جنوبی و

کیپ تاون که برای مخاطبان بومی یا جهانی شرحش می‌دهیم. در سطح دوم، این پروژه مثالی است از انواع صورت‌های حکومت‌رانی مدرن که دیزاین در آن بیش از پیش ابزاری شده است - در این مورد، تدابیر امنیتی به صورت «شبکه‌ای» و «برهم‌کنشی» به درون گروهی از ذی‌نفع‌ها، سازمان‌های محلی و جهانی مالی، الگوها و حکومت (مندی)ها هدایت می‌شود. سرانجام و با تمرکز بر ادامه مطالب این مقاله، VPUU مثالی است از فرم‌ها و فضاهاى سیاست‌زده دیزاین‌شده رنگارنگی که حکومت‌رانی امروز از طریق‌شان به جایی فراتر از حکومت راه می‌برد.

#### نقطه نظر (های) پژوهش

توجه من به پروژه VPUU از دو هفته بازدید پژوهشی‌ام از کیپ تاون آغاز شد، زمانی که برای آماده‌سازی‌های مربوط به اهدای عنوان پایتخت جهانی دیزاین در سال ۲۰۱۳ به آنجا سفر کرده بودم. این آماده‌سازی‌ها شامل سر زدن به مرکز آفریقایی شهرها (ACC) در دانشگاه کیپ تاون، پژوهشی با مسئولیت محدود شامل بازدید از پروژه VPUU در منطقه کاپلیتسا و مصاحبه‌ای غیررسمی با کترین یوئینگ، دکترای دیزاین شهری و معماری و از مدیران بنیان‌گذار VPUU و سرپرست پیشین شاخه «جلوگیری از شکل‌گیری موقعیت وقوع جرم» در این پروژه، بود. این مقاله را باید یک نوشتار انتقادی دانست که در پی بازدید من از پروژه و بر اساس بدنه‌ای از نوشته‌هایی شکل گرفت که از آن زمان تا امروز مدام شاخ و برگش می‌داده‌ام.

پس از بازگشتم از سفر، توسعه پروژه و مطالعات مربوط به آن را از راه دور پی‌گرفته‌ام: چیزی که به لطف خودسنجی اجباری و پیوسته VPUU ممکن شد (طرح‌های توسعه‌ای که بانک توسعه آلمان و چند نهاد دیگر پایه‌گذارشان هستند

برای این‌گونه پروژه‌ها چنین الزامی مقرر کرده است). یادآوری این نکته مهم است که برتری دادن به این پروژه و شاید بیش از حد برجسته کردنش در میان بسیار پروژه دیگر در کیپ تاون و در آفریقا، به سبب موقعیت تأمین مالی و خطوط‌ربط‌های جهانی آن است (بانک توسعه آلمان، یو.ان-هیبیتا، پایتخت جهانی دیزاین و از این دست). این پروژه مرکز توجه چندین مطالعه تحقیقاتی بوده است، از جمله پژوهش‌هایی غیروابسته به پروژه VPUU که ونسا بارولسکی (پژوهشی که مرکز جهانی توسعه تحقیقات، واقع در کانادا، تأمین مالی‌اش کرده است)، لنون اشرایبر و مایکل پری انجامش داده‌اند. اگرچه مطالعه اشرایبر و پری به لطف ارتباطات‌شان با دانشگاه‌های آمریکای شمالی به انجام رسید اما شاید یادآوری‌اش بی‌ربط نباشد که اشرایبر در حال حاضر عضو پارلمان آفریقای جنوبی از سوی حزب ائتلاف دموکراتیک است. آنچه در این مقاله درباره پروژه VPUU توصیف و به بحث گذاشته می‌شود، در درجه اول، بر پایه مطالعات موجود پیرامون همین پروژه است، مثل پژوهش‌های دانشورانی که پیشتر به آن‌ها اشاره شد و باقی دانشوران همکار مرکز آفریقایی شهرها (مثلاً مرسی براون-لوتنگو، لایزا روز سیرولیا، مین‌تگوا گوبو، الناز ریز و روت مسی) و همکاران‌شان مثل آش امین.

#### پروژه VPUU: حکومت‌رانی و حکومت‌مندی

حکومت‌رانی در کیپ تاون، مثل جاهای دیگر، تغییر کرده است: از خلق و اعمال سیاست از بالا به پایین از سوی یک منبع منفرد قدرت، به صورت‌های «شبکه‌ای» تر و «برهم‌کنشی» تری که قدرت در آن‌ها میان طیف متنوعی از ذی‌نفع‌ها با گرایش‌ها و (هم)بستگی‌ها و میزان گوناگون نفوذ توزیع می‌شود. در چهارصد و پنجاه «ناحیه